

نویسنده: طیار یزدان پناه لومکی

مقدمه‌ای بر تاریخ بخش خصوصی در مازندران

دوره‌ی قاجاریه (۱۲۶۰-۱۳۸۶)

«بخش نخست»

به نظر می‌رسد پیش از پرداختن به موضوع، به این نکته اشاره شود که عرصه‌ی فعالیت تاریخی بخش خصوصی در مازندران به‌طور بدیهی محدود به فعالیت‌های تولید صنعتی نشده، بلکه بخش‌های خدمات، عمران و مسایل ارضی را در بر می‌گیرد. با این همه کوشش می‌شود علاوه بر ارایه‌ی تصویر کلی از حضور بخش خصوصی در طی یک سده، در صورت فراهم بودن اسناد به دیگر عرصه‌ها نیز پرداخته شود.

نکته‌ی دیگر درباره‌ی دوره‌های تاریخی مورد پژوهش است که این گفتار به سه دوره اشاره دارد. نخست از سال‌های بعد از ۱۲۶۰ هجری خورشیدی تا پایان دوره‌ی قاجار. دوم، از آغاز دوره‌ی پهلوی تا سال ۱۳۵۷ و بخش آخر اختصاص دارد به دوره‌ی سی ساله‌ی اخیر. بنابراین، برای روشن داشت موضوع و آشنایی بیش‌تر، باید تصویری از موقعیت تولیدی-تجاری ایران که به تبع آن مازندران را نیز در بر می‌گیرد، ارایه داد که در این مورد نظر به آن است به فهرست کالاهایی اشاره شود که در پیش از انقلاب مشروطیت، ارزش صادرات داشت و متعاقب آن باید به نام اجناسی پرداخت که ایران ناگزیر به واردات آن‌ها بود.

اما پیش از آن نباید این نکته را فروگذار کرد که در این دوره (روی هم‌رفته کارخانه به‌معنای دلالتی که در اروپا می‌شناسیم در ایران وجود ندارد. چند برابر کردن صرفه‌جویی کردن نیروی کار نفر به‌وسیله‌ی استعمال قوه‌ی بخار یا نیروی آب، در آن‌جا مجهول است. این سرزمین از روزگار قدیم به‌واسطه‌ی مصنوعات و فرآورده‌های صنعتی

و هنری خود شهرت داشته است^(۱). با وجود ضعف استعداد محلی که ناشی از ورود مصنوعات ارزان، هم مانند اروپایی است باز آثار صنعت و کار دیرین از بین نرفته است. در هیچ کشور دیگری صنایع مانند ایران جنبه‌ی محلی و اختصاصی ندارد. این نه تنها از جهت ارزانی جنس در ناحیه‌ی به خصوص است بلکه در اثر سابقه‌ی طولانی و عادت محلی است^(۲).

(۱)

آشکار است که در اواخر دوره‌ی ناصری رشد مناسبات سرمایه‌داری بسیار گند، ولی پیوسته در اقتصاد فرتوت فئودالی، رو به رخنه بود و اروپاییان بیش از پیش بر حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران سلطه می‌یافتند و این امر به بحران عمیق نظام استبداد سلطنتی مطلق می‌افزود. در واقع این دوره را باید آغاز بیداری ایرانیان از خواب طولانی سده‌های میانی به حساب آورد.

بنابراین شرح، بیش‌تر می‌توان به گزارش لرد کرزن سیاستمدار محافظه‌کار انگلیسی که پس از سفر به ایران در ۱۸۸۹ میلادی تنظیم کرده اشاره داشت. در این سیاهه اقلام صادراتی ایران عبارت است از تریاک، پنبه، پشم، ابریشم خام، ابریشم پبله، تنباکو، توتون، کشمش، خشکبار، زعفران، برنج، خرما، گندم، جو، بذر، گله اسب و گوسفند، کتیرا، مواد رنگی، ادویه، دارو، گلاب، شراب، پوست دباغی شده، پوست دباغی نشده و چرم و در برابر واردات ایران عبارت از قند، شکر، چای، ادویه، نفت، آرد، چلوار، پارچه، پارچه‌های پشمی، پارچه‌های معمولی، فلزات، بلور، ظرف‌های چینی، مشروب، جواهر و ساعت، آهن، شیشه، قهوه، دارو، اسلحه، کف و کیسه است که از کشورهای

۱- تاریخ فلزکاری در ایران بر اساس شواهد و نشانه‌های موجود تا ۷ هزار سال پیش یا هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد دانسته‌اند که به دوران ماقبل تاریخ باز می‌گردد. [روزنامه‌ی ایران ۱۶/۱۱/۱۷] شایان ذکر است که در مازندران بر اساس آثار به دست آمده، در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در صنایع کوزه‌گری، آجرپزی، فلزکاری، رنگریزی، قالب‌ریزی، پیکرنگاری و کنده‌کاری فعال بود. ۱. تاریخ مازندران باستان، طیار یزدان‌پناه لموکی، صفحه‌ی ۳۱.

۲- ایران و قضیه‌ی ایران، لرد کرزن، برگردان، وحید مازندرانی، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۲۲.

روسیه، انگلیس، فرانسه، آلمان، اتریش و هندوستان از طریق هفده گذرگاه مرزی وارد کشور ایران می شده است.

همان طور که ملاحظه می شود، ایران به طور عمده واردکننده ی کالاهایی ساخته شده از کشورهای پیشرفته ی صنعتی است که البته این بخش مورد توجه این سخن نیست، زیرا مبحث جداگانه ای است که در این گفتار نمی گنجد به هر ترتیب مازندران به سبب داشتن گذرگاه های مرزی، تولید برخی اقلام صادراتی و بازاری برای عرضه ی کالاها، مورد توجه است و به نظر می رسد نخست درباره ی دو مدخل ورودی باید اشاره داشت که یکی بندر مشهدسر (= بابلسر کنونی) است که نزدیک ترین راه به تهران به حساب می آمد که در سال ۱۸۸۹ مولف کتاب «ایران و قضیه ی ایران»، کل مبلغ دریافتی صادرات و واردات آن را ۳۱۵ هزار لیره برآورد کرد که به نسبت رقم قابل توجهی است^(۱). دیگر بندرگز در شرق مازندران است که از آن جابه استرآباد و از راه گردنه های تند به شاهرود می رسید که در آن زمان محل عبور جاده ی پستی بین تهران و خراسان بود که روس ها علاوه بر استفاده از جاده های تجارتنی تفلیس، تبریز- تهران و خط عشق آباد قوچان، بندرگز را هم به عنوان یکی از راه های تجاری مهم به حساب می آوردند و از آن بهره می جستند.

با این همه آنچه به مازندران مربوط می شود، علاوه بر دو مدخل ورودی و خروجی کالا از طریق دریا که به طور کلی از جانب حکومت قاجاریه در اختیار بخش خصوصی قرار داشت. تولیدات کشاورزی، وجود معادن و ساخت و سازهای صنعتی را باید یادآور شد و آنچه در مورد اخیر می توان اشاره کرد، پیدایی صنعت و استخراج معادن با کمال تأسف براساس برنامه ریزی دقیق تداوم نیافت تا به انباشت سرمایه از جانب بخش

۱- امروز از مشک آباد تا مشهدسر، چهار فرسنگ مسافت دارد. در بندر مشهدسر، پانزده فروند کشتی تجارتنی اهل بادکوبه لنگر انداخته بود. می گفتند شش ماه است در بندر متوقف و مشغول بیع و شرای پنبه و غیره هستند. از گمرک بندر مشهدسر پرسیدم گفتند سالی چندین هزار تومان است. (اعتمادالسلطنه، مرات البدان. صفحه ی ۱۰۷) به میرزا فرج اله مهندس و میرزا شکراله امر نمودیم که انبار مال التجاره در بندرگاه مشهدسر سازند.

خصوصی و پیدایی نیرو مولد صنعتی، بینجامد و در سیر تکاملی خود تقویت، تحکیم و تثبیت شوند تا بعدها به صورت یک نیروی ملی به حساب آیند. البته در این دوره (= ناصری) ایران تازه به تلگراف برقی و سیستم جدید پستی و تاسیس بانک‌های اروپایی و مقدمات کشیدن راه آهن و به کارافتادن سرمایه‌های عمده‌ی خارجی برای استفاده از منابع داخلی [دست یافت]^(۱). نکته‌ی قابل ذکر درباره‌ی احداث کارخانه است. همان‌طور که در گزارش کرزن نیز سخن رفت که: کارخانه به آن معنا که در اروپا [بود] در ایران وجود نداشت. در روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه نیز بازتاب دارد به این‌که: ناصرالدین شاه در سفر به مازندران در منطقه‌ی کجور در روستای نسن nescn (= ده از دهستان اوزرود، بخش نور شهرستان آمل)^(۲) اعتمادالسلطنه را به حضور می‌خواند و اعتمادالسلطنه شرح آن دیدار را چنین آورده است: «یک و نیم به غروب مانده احضار شدم، از آن‌جا به منزل علاءالدوله رفتم (یکی از خوانین منطقه) حکیم اتلوزان طیب مخصوص فرانسوی دربار ناصری] هم بود. خیالاتی که به جهت ساختن بعضی کارخانه‌ها و غیره در ایران دارند^(۳)» این در حالی است که «نادرشاه کارخانه‌ی آهن‌سازی نزدیک آمل مازندران را [در دوره‌ی پادشاهی خود] پی‌ریزی کرده بود و در آن‌جا گلوله‌های توپی و خمپاره و نعل اسب می‌ساخت و در صدد بود که برای کشتی‌های خود لنگر هم بسازد»^(۴).

۱- کرزن، همان‌جا، صفحه ۷۵۱.

۲- فرهنگ جغرافیای ایران، آبادی‌ها، استان دهم، مازندران.

۳- اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات (=مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری) صفحه ۲۶.

۴- کرزن، همان‌جا، ص ۶۰۹. «نادرشاه در آن دوره کوتاهی که ایران را به مقام درجه اول نظامی در آسیا ارتقا داده بود در صدد برآمد که برای این کشور منزلت شامخ بحری نیز احراز کند تا از این راه تسلط ایران در دو ساحل شمالی و جنوبی- تامین کرده باشد حسن تصادف در آب‌های دریای خزر وی از خدمت و کاردانی یک مرد زرنگ جسور انگلیسی برخوردار شد... جان التون در ژانویه ۱۷۴۳ [برای ساختن کشتی] از جانب نادرشاه مأموریت یافت وی پس از سرکشی سواحل [دریای مازندران] همت بر آن گماشت که چند کشتی در ساحل گیلان بسازد. از کوهستان، چوب و الواز به کنار دریا حمل کردند و از پنبه و الیاف کتانی لوازم کار را

بنابراین فعالیت بخش خصوصی در مازندران را می‌توان در این دوره به پنج رشته‌ی اقتصادی از تولیدات کشاورزی، بهره‌برداری‌های معدنی، ساخت و سازهای صنعتی، اجاره‌ی مراکز درآمدی و داد و ستدهای بازرگانی دسته‌بندی کرد و اسناد لازم در هر رشته را به‌طور مبسوط فراهم کرد، که در این بخش به سبب در دست نداشتن مدارک لازم و اسناد معتبر به شرح کوتاهی از آنان بسنده می‌شود حال آن‌که هر یک از رشته‌های نام‌برده، مبحث مستقلی می‌تواند به حساب آید که مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد.

همان‌طور که در گزارش صادرات ایران در سال ۱۸۸۹ یعنی در آستانه‌ی سده‌ی بیستم آمده در فهرست اقلام صادراتی به ابریشم، پنبه، تریاک، برنج، گندم و غیره اشاره رفته است. قابل ذکر است، آتونی شرلی در ۱۶۰۰ میلادی در توصیف کرانه‌ی جنوبی دریای مازندران آورده است «آن‌جا از لحاظ ابریشم، برنج و غله به قدری غنی و دارای جمعیت کثیری است که به نظر می‌رسد طبیعت با صنعت و کار مردم هم چشمی دارد». و این مهم، سده‌ها تداوم داشته چنان‌چه کرزن اشاره دارد به این‌که محصول عمده‌ی مازندران در این دوره (= ناصری) برنج، پنبه و نیشکر است^(۱). درباره‌ی برنج باید گفت که: برنج رایج‌ترین و سودبخش‌ترین کشت‌کار [در این منطقه] به‌شمار می‌رود^(۲). زراعت خشک‌خاش به مقادیر کلی جای ابریشم را که در سال ۱۸۶۴ دچار افت شدید گشت و [به‌نحوی که] تا سال ۱۸۶۹ محصول (= ابریشم) را به ۱ کاهش داد، گرفت^(۳) و مولف با نمونه‌ای که از سفرنامه‌ی ناپیر در سال ۱۸۷۴ ارایه می‌دهد، می‌آورد در حوالی [بارفروش ده] مزارع غنی برنج و پنبه و نیشکر است... درباره‌ی اهمیت کشت ابریشم شمال که از دیرباز پیشینه داشته می‌توان این نکته را افزود که در نیمه‌ی سده‌ی شانزدهم میلادی در انگلستان (کمپانی تجار پیش قدم در راه کشف نقاط ناشناخته) شکل گرفت که در صدد [آن بودند] که راه تجارتمی آسیای مرکزی را کشف کنند [به این منظور] ایران را در حوزه‌ی عملیات خویش [قرار دادند تا بتوانند] بر ولایات ابریشم‌خیز شیروان، مازندران

فراهم ساخت از میان چند کشتی یکی را به آب انداخت که با طبع دولت روس سازگار نبود. ص ۴۷۲.

۱- همان‌جا، صفحه ۴۸۱، جلد ۱.

۲- همان‌جا، صفحه ۴۸۴، جلد ۱.

۳- همان‌جا، صفحه ۴۵۸، جلد ۱.

و گیلان که در جهت شمالی و مجاورت دریای خزر بود، دست یابند. ابریشم جزو آن دسته از کالاهای استراتژیک به حساب می‌آمد که در سال ۱۸۵۰ ایران را قادر می‌ساخت تا بهای قسمتی از واردات خود را در تجارت خارجی پرداخت کند.

(۴)

بنابراین درباره‌ی کشت و وسیع فرآورده‌های کشاورزی در سرزمین حاصل خیز باریکه‌ی جنوبی دریای مازندران به نظر می‌رسد باید به انواع مالکیت در این دوره اشاره داشت. البته نام برخی از مالکان بزرگ که دارای چند پارچه آبادی بودند را در سفرنامه‌ها می‌توان جست‌وجو کرد. پیش از هر مطلبی لازم به اشاره است این پژوهش در نظر ندارد تحلیلی بر نوع مناسبات ارضی ارایه دهد که خود مبحث دیگری است، بلکه در بیان انواع مختلف مالکیت به ویژه زمین‌داری است که به صورت تیول، موقوفه، خالصه دولتی و زمین‌های اربابی که تحت مالکیت خصوصی آنان بود، بپردازد.

در سفرنامه‌ی ناصرالدین شاه آمده است... لارین / لاریم از قرای خالصه دیوان است؛ مشک آباد خالصه متصل به لاریم است... درن چال، ملک میرزا مسیح و عباس قلی خان ارباب است؛ کردکلا محل طایفه‌های کرد و ترک که تیول (اشرف خان ولد مرادخان است). لازم به اشاره است برخی ارباب‌ها همان‌طور که اشاره شد صاحب چندین پارچه آبادی بودند در سفرنامه‌ی افضل‌الملک آمده است که زیرآب از آن اسداله خان [است] عباس آباد و جنگل‌هایش از آن مرادخان از دو گل تا عباس آباد از آن طایفه‌ی باجگیران که از نسل اولادند.

ضیع‌الدوله در روزنامه‌ی خاطرات می‌آورد: از این جا تا نور چهار فرسخ است و ملک (= نور) میرزا داوودخان و سایر اولاد میرزا آقاخان صدراعظم مرحوم است. این شکل مالکیت در تمام مازندران در این دوره وجود داشته است. البته در صورت داشتن اسناد می‌توان به صورت مستقل به هر یک از شاخه‌های مالکیت پرداخت. شکل دیگر مالکیت «موقوفه» است که مربوط به نیایش‌گاه‌ها و مکان‌های مقدسه است. از آن جمله در علی آباد به امام‌زاده یوسف‌رضا می‌توان اشاره کرد که آبادی فوربها یا پربها به آن تعلق داشت و به صورت اجاره در اختیار اشخاص قرار می‌گرفته است. سند به جای مانده از

آن مربوط به سال ۱۲۷۶ در این سند آمده است: شش دانگ قریه فوربحا موقوفه‌ی معصوم‌زاده در علی‌آباد به مدت پنج سال خورشیدی کامل به المال صلح به مبلغ یک صد تومان ناصرالدین شاهی... یک صد خروار شالی... متعارف قریه به ضمیمه‌ی ده رطل شکر و یک من تبریز ابریشم هر سالی بیست تومان نقد بیست خروار شالی را در آخر میزان همان سال در قریه‌ی مزبور تسلیم نماید... از جمله دیگر املاک موقوفه، آبادی رکاب‌دارکلا از بلوک نوکندکا شاهی سابق است که از اوقاف مرحوم مغفور سیلیمان‌خان است بر مدرسه‌ی آن مرحوم که اعلیحضرت شهید (= ناصرالدین‌شاه) [آن را] به همشیره‌ی سردار امجد داد.

۵۵

در این دوره املاک خالصه به‌طور کلی مورد تهاجم و ابستگان و ماموران دیوان نظام حکومتی قاجار بود که در گزارش ظهیرالملک از حکومت مازندران به رئیس ضبط کل با نام میرزا هاشم‌خان در سال ۱۳۰۲ آمده است. در این گزارش به‌طور مبسوط نشان داده می‌شود که چگونه با سندسازی نزدیک به سی پارچه آبادی شاهی سابق با امضای جعلی به نام سید صادق‌خان قاضی سند می‌خورد^(۱) ظهیرالملک در گزارش دیگری درباره‌ی انتقال ده پارچه آبادی املاک خالصه را به خصوص (شخصی‌سازی) در شاهی شهر، از جانب میرزا یحیی‌خان سررشته‌دار سوادکوه می‌آورد^(۲) که در مازندران به نمونه‌های فراوانی می‌توان اشاره داشت. همان‌طور که در بخش موقوفه به‌اجاره‌داری ملک معصوم‌زاده یوسف‌رضا اشاره رفت، می‌توان به‌عنوان نمونه اجاره‌داری املاک خالصه دولتی (= بخوان ملی) در ملک سوادکوه اشاره کرد. بر اساس سند شماره‌ی ده در شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۸ قمری تومانیاس با حمایت نخست‌وزیر املاک وسیعی را در سوادکوه اجاره می‌کند. ایشان که دارای تجارت‌خانه‌ای در تهران است از جمله آن دسته بازرگانانی است که کشت در املاک اجاره‌ای رایش‌تر برای صادراتی در اختیار گرفته است. بازرگانان مرکز همان‌طور که آمده در املاک خالصه‌ی وقفی (= رکاب‌دارکلاه) نه بر

۲- سازمان اسناد ملی، سند شماره ۱۱-۱۷.

۱- سازمان اسناد ملی، سند شماره ۳.

مبنای نیاز داخل، بلکه برای صادرات کشت می‌گردند. بر اساس سندی دیگر، اجاره‌ی مستقیم روسیه‌ی تزاری در منطقه‌ی یادشده در دست است که در ۱۳۳۲ قمری تنظیم شده است در سند آمده است: شب دوشنبه مقارن غروب میرزا علی اکبر غلام‌انگنط (=مامور کنسول روس در بارفروش ده) و یک نفر روس و یک نفر قزاق وارد چاکرخانه شدند و خبر دادند که یک نفر ژنرال دولت روس فردا می‌آید این‌جا و می‌رود شیرگاه پذیرایی کامل نماید. امروز چهارشنبه چهار از دسته گذشته با ده نفر سوار که یک نفر قزاق بود و سه نفر آدم‌های تومانیاس از ایرانی و ارمنی و ناچار نیکی که پارسال بر سر دهات تومانیاس بود و چند از اجزای خودش وارد شده آمدند شیرگاه و شغل آن‌ها ضبط بلوک شیرگاه است [کشف شد] که از دولت، خالصجات سوادکوه را اجاره کرده‌اند.

۶۱

شایان ذکر است علاوه بر دولت روسیه تزاری در امر اجاره‌داری، بخش خصوصی روس نیز در این زمینه فعال بودند. چنان‌که گمرک مشهدسر در اجاره یک نفر روس بود. نکته‌ی قابل ذکر آن‌که در این دوره «در هر ولایت و یا شهر یا ناحیه، گمرک را به کسی که مبلغ بیش‌تری پرداخت کند اجاره می‌دهند. وجهی را که او می‌پردازد همه اطلاع دارند و اضافه بر آن در حدود بیست تا بیست و پنج درصد به کیسه‌ی خود او می‌رسد.» نمونه‌ی دیگر فعالیت بخش خصوصی روس در امر اجاره‌داری در کرانه‌ی جنوبی دریای مازندران درباره‌ی صید ماهی است. مولف کتاب «ایران و قضیه‌ی ایران» می‌آورد «که هنگام مسافرت من، سواحل جنوبی دریای خزر را یک نفر روس سالانه به شصت و پنج هزار تومان اجاره کرد و از راه صدور ماهی خشک و به خصوص خوابار به روسیه می‌گویند منابع سرشاری حاصل می‌کرد»^(۱). البته اجاره‌داری از جانب مازندران هم انجام می‌شد. چنان‌که ضمیمه‌ی الدوله در کتاب خاطرات خود می‌آورد «منزل امروز بارفروش

۱- همان‌جا، ج ۱، ص ۵۶۹. بنا به رسم اجاره‌داری گمرگ که در همه ایران جاری است علاوه بر مبلغ مقرر که به دولت یا حضرت شهریار تقدیم می‌دارد بهره‌ی کلانی نصیب خود او می‌شود. کرزن، همان‌جا، ج ۳، ص ۶۷۱. «گمرک‌خانه‌ها اغلب اجاره داده می‌شد. اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران، ج ۲، ص ۴۸.

است همه‌ی راه گل و باتلاق بود با زحمت زیاد سه به غروب مانده بود وارد بحرارم که منزل شاه است شدیم از آنجا آمدم منزل شهدی علی اکبر ولد غلامرضا علاف و این صاحبخانه، دهات اطراف شهر را اجاره می‌کند. مولف تاریخ مازندران در جلد دوم کتاب خود درباره‌ی نایب‌الحکومه سردار امجد در مازندران به واقعه‌ای اشاره دارد که قابل توجه به نظر می‌رسد. سردار امجد، سرتیپ اول، خواهر او لیلی خانم زن ناصرالدین شاه بود... نایب‌الحکومه‌ی او میرزا علی خان. املاک بعضی را به زور و یا به رضا و تعدادی املاک نیز اجاره کرد و برنج‌ها را از راه فرح آباد به وسیله‌ی حاج میرزا ابوطالب، امین بندر، با کشتی به روسیه می‌فرستاد...^(۱) در واقع فعالیت بخش خصوصی برای صاحب‌منصبان محلی منعی نداشت.

۲۷۵

از دیگر عرصه‌های فعالیت بخش خصوصی در مازندران در دوره‌ی ناصری، راه‌سازی است که مولف کتاب «ایران و قضیه‌ی ایران» می‌آورد طی سه سال اخیر اقداماتی شده است که آمل را به وسیله‌ی راه آهنی با دریای خزر مربوط سازند و این دومین خط آهن موجود در ایران است. در این کار حاجی محمد امین‌الضرب اقدام کرد و قصدش این بود که تجارت بین تهران و دریای خزر را در انحصار خود قرار دهد. از طریقی که نزدیک‌تر از راه آمل، بابل و مشهد سر باشد. بنابراین امتیازی از شاه تحصیل کرد و مرداب محمودآباد را که در ۱۲ مایلی است، لنگرگاه قرار داد. از بلژیک مهندس و ریل وارد کرد و یک رشته خط تا آمل کشید که قرار بود به وسیله‌ی تراموای اسبی تا چندین مایل دیگر جلوتر کشیده شود...»

اسماعیل مهجوری مولف کتاب تاریخ مازندران در این باره شرح به نسبت مبسوطی دارد به این که: «حاج محمد حسن امین‌الضرب اصفهانی مقیم تهران در سال ۱۳۰۲ قمری برابر ۱۳۶۳ خورشیدی با موافقت ناصرالدین شاه وسایل تاسیس کارخانه‌ی ذوب آهن ر ذغال سنگ و خط آهن مازندران به تهران را فراهم کرد. در محمودآباد ایستگاه بنا کرده

۱- اسماعیل مهجوری، تاریخ مازندران، ج ۲، ص ۲۱۲.

راه خط آهن را از آن بندر به شهر آمل... به عرض ۱/۴ متر امتداد داد، ریل‌های خط به قطر هشت سانتی متر بوده است. این مرد بزرگ در جریان کار با مخالفت شدید ا جانب... و مزاحمت خیانت آمیز درباریان روبه‌رو شد و سرانجام به وسیله‌ی پادشاه وقت که به اساس تمدن بی‌اعتنا بود، مطلوب حاج محمدحسن امین‌الضرب متوقف گشت و این اثاثیه که بالغ بر چند میلیون تومان ارزش داشت در اراضی مرطوب مازندران ماند و تا آغاز سلطنت رضاشاه کبیر باقی بود.

مورد بعدی جاده‌ی آمل - تهران بود که: به فرمان شاه در سال ۱۸۷۷-۱۸۷۸ به وسیله‌ی ژنرال کاستیگرخان مهندس اتریش که در خدمت ارتش ایران بود ساخته شد جمع مسافت ۱۲۰ مایل است. ضعیف‌الدوله نیز به این موضوع در روزنامه‌ی خاطرات خرد اشاره دارد که «امروز باید به پل کلارک... رفت. راه سه فرسخ است. سمت شمال راه را تا کنار دریا ساخته‌اند. کاسگر مهندس، با پول زیاد این راه را از کنار دریا تا شهر ستانک ساخته است»^(۱). دانسته است، «تنگه‌ی گدوک که در جبال البرز و شمال فیروزکوه است... همان راه معمولی مازندران است»^(۲). به هر ترتیب در این باره می‌شود به نمونه‌های دیگری اشاره داشت تا حضور بخش خصوصی را بیش‌تر نمایاند. متنها همان‌طور که اشاره رفت، اسناد قابل اعتنا در دست نبود.

«۸»

در بخش صنعت، مولف کتاب تاریخ مازندران اشاره دارد به این‌که «در حدود ۷۰ تا ۸۰ سال پیش جنب سبزه میدان [بارفروش ده] کارخانه‌ی قندسازی ساخته بودند که وسایل آن را از روسیه آورده و نیازمندی‌های مردم را از آن رفع می‌کردند ولی همین‌که صاحب کارخانه فوت کرد اثاثیه‌ی آن را به چپاول بردند» و در ادامه می‌افزاید: «به فرمان

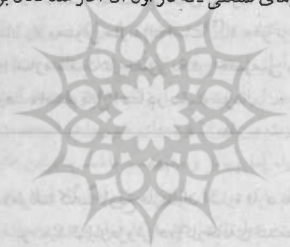
۱- کرزن، همان‌جا، ج ۱، ص ۵۳.

۲- همان‌جا، ج ۲، ص ۲۱۲. «در ناحیه‌ی شمالی معادن سرب و آهن وجود داشته و از هر دو معدن نیز مقداری استخراج شده است. خاصه معدن نایبج نزدیک آمل است و برای صدور محصولات آن‌جا (که پنجاه تا شصت درصد آهن دارد) راه آهن محمودآباد را ساخته‌اند. کرزن، همان‌جا، ص ۶۱۴.

میرزاتقی خان امیرکبیر دو کارخانه‌ی شکرریزی یکی در بار فروش و دیگری در ساری احداث شده است^(۱). کرزن دربارہ‌ی دیگر اقدام‌های حاجی محمدحسن امین‌الضرب می‌آورد که: در این اواخر (اکتبر ۱۸۹۰) حاجی محمدحسن طریق دیگری یافته است. زیرا شنیده‌ام یک کارخانه‌ی چوب‌بری در آمل نصب و کارگاه قند نیشکر ضمیمه‌ی آن کند و مهندس روسی عهده‌دار این کار است^(۲).

البته بنا بر گزارش کرزن در آمل علاوه بر وجود معادن سرب، آهن و ذغال‌سنگ^(۳) و صنایع قندسازی و چوب‌بری... صنعت نساجی نیز دایر بوده است. چنان‌که ایشان در معرفی آمل می‌آورد: آمل سومین شهر مازندران و اکنون مقر حاکم ایالت است... و دیر زمان به مناسبت بافت پارچه‌های نخی و فرش شهرت داشته است^(۴).

بنابراین بخش خصوصی مازندران در دوره‌ی قاجار به‌طور کلی در عرصه‌های تولیدات کشاورزی، اجاره‌داری، گمرک، بهره‌برداری‌های معدنی، دادوستدهای بازرگانی، ساخت و سازهای صنعتی - که فاز اول آن آغاز شد فعال بود، که نیاز به پژوهش گسترده‌تری دارد.



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲- همان‌جا، ص ۵۰۳.

۱- همان‌جا، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲- همان‌جا، ص ۵۰۲.

۳- همان‌جا، ص ۶۱۴.